



رخداد تازه مستند  
نشست پژوهشی چهل و پنجم

**پاستای ایرانی (۱۳۹۰)**  
وحید صداقت

یکشنبه یک مردادماه | ساعت ۶ بعد از ظهر

خیابان کریمخان خردمند شمالی  
احوالی ۲، پلاک ۳  
تلفن ثبت نام: ۰۹۰۳۲۰۲۱۹۳۱

معاونت فرهنگی و ارتباطات  
معاونت پژوهش و توسعه  
معاونت برنامه ریزی و مدیریت منابع



## یکشنبه ۱ مرداد ۱۳۹۶

### گزارش چهل و پنجمین نشست پژوهشی رخداد تازه مستند

ششمین نشست از سلسله نشست‌های مرتبط با مفهوم دیاسپورا و هویت دیاسپورایی، با تاکید بر مهاجران ایرانی، در رخداد تازه با نمایش فیلم «پاستای ایرانی» به کارگردانی وحید صداقت برگزار شد. پوریا جهاننژاد پنج نشست پیشین رخداد با محوریت دیاسپورا را با دو رویکرد جمع‌بندی کرد؛ یکی دیاسپورا به مثابه گروهی تقریباً هم شکل که به سرزمین مادری وابسته‌اند و هویت آنها رابطه مستقیم با جغرافیا دارد. دیگری، دیاسپورا به عنوان سوژه‌ای مرکززدایی شده که نوعی مقاومت آگاهانه دارد، که در این نوع از هویت دیاسپورایی این حافظه است که جایگزین سرزمین می‌شود. در نهایت او گفت، باید این نکته را در نظر داشت که دیاسپوراها با یکدیگر متفاوتند. حال سوال این است که این دیاسپورای ایرانی واجد چه نوع ویژگی‌هایی است؟



گروه پژوهشی و مستندسازی آریمی



## گزارش چهل و پنجمین نشست پژوهشی رخدادهای تازه مستند

### گروه پژوهشی و مستندسازی آریتمی

#### ریتم اصلی

چهل و پنجمین نشست پژوهشی رخدادهای تازه مستند با نمایش فیلم «پاستای ایرانی» به کارگردانی وحید صداقت برگزار شد. پوریا جهانشاد پنج نشست پیشین رخدادهای محوریت دیاسپورا را با دو رویکرد جمع‌بندی کرد؛ یکی دیاسپورا به مثابه گروهی تقریباً هم شکل که به سرزمین مادری وابسته‌اند و هویت آنها رابطه مستقیم با جغرافیا دارد. دیگری، دیاسپورا به عنوان سوژه‌ای مرکززدایی شده که نوعی مقاومت آگاهانه دارد، که در این نوع از هویت دیاسپورایی این حافظه است که جایگزین سرزمین می‌شود. در نهایت او گفت، باید این نکته را در نظر داشت که دیاسپوراها با یکدیگر متفاوتند. حال سوال این است که این دیاسپورای ایرانی واجد چه نوع ویژگی‌هایی است؟ و در جغرافیاهای مختلف این پراکندگی ایرانی‌ها چگونه تعریف می‌شود؟

وحید صداقت گفت، در سفری که به رم داشتم برای تحقیقات فیلم دیگری را می‌گفتم که «هندی کم» می‌گرفتم اما بعد متوجه شدم آن حس و حالی که در این راش‌ها وجود دارد را نمی‌توان در فیلم دیگری یافت. او اضافه کرد، قشر متوسط دانشجویان مهاجر ایرانی در ایران نسبت به ایتالیا از زندگی بهتری برخوردار بوده‌اند اما با این وجود از مهاجرت خود احساس رضایت می‌کردند. صداقت گفت صحبت‌هایی از قبیل ناراضی و شکایت از وضع موجود در ایران که از سوی دانشجویان ایرانی گفته شد، ناشی از یک دوره بحرانی در ایران بود که خشم عظیمی از مردم را برانگیخته بود.

#### چندریتمی

چندریتمی‌ها به همگونی تن نمی‌دهند، در برابر چیزی به ظاهر واحد مواضع متفاوت و متضادی اتخاذ می‌کنند. این گونه است که چند ریتمی‌ها عدم توافق را به خاطر می‌آورند. جایی که هرگز همدستی‌ها رخ نمی‌دهد و ریتم‌های گوناگون، نواهایی که تا کنون شناسی برای شنیدن نداشته‌اند و خلق ساحت‌هایی که دیده نشده‌اند سر بر می‌آورند.

صداقت مهاجران را به سه دسته تقسیم کرد. کسانی که همچنان در کشور جدید به هرشکلی به دنبال حفظ رابطه خود با ایران هستند، برای مثال با تماس‌های تلفنی با نزدیکانشان که در ایران‌اند، ساختن گروه‌های دوستی ایرانی و حتی خورد و خوراک ایرانی. گروه دوم، کسانی‌اند که با هدف مشخص از کشور خارج شده و ارتباط خود را با ایران تا جای ممکن قطع می‌کنند. گروه سوم، کسانی که باتکلیف‌اند و بین این دو مرز در رفت و آمدند. تجربه صداقت نشان می‌دهد که گروه دوم انسان‌های موفق‌تری‌اند. جهانشاد اشاره کرد که در یکی از نشست‌های دیگر هویت دیاسپورایی، فرزند توحیدی نیز گفت، انطباق پذیری با جامعه مقصد یک بازی برد-برد است. او اضافه کرد این بازی برد-برد که در فحوای کلام وحید صداقت هم وجود دارد فارغ از هر ارزش‌گذاری‌ای نقطه مناقشه‌انگیز و قابل بحثی است.

در ادامه کارگردان گفت، مسئله «اگزوتیک بودن» پدیده‌ای ملموس در ایتالیا نیست و خیلی زود مهاجران ایرانی در درون جامعه حل می‌شوند. سپس پوریا جهانشاد گفت این مسئله هم باز به انطباق پذیری مربوط می‌شود و انطباق‌پذیری یک طیف است. آیا انطباق‌پذیری به صورتی است که فرد ایرانی تبدیل به یک ایتالیایی بشود؟ یا انتظاراتی که یک ایتالیایی از شخص ایرانی دارد را برطرف کند؟ و یا اینکه این انطباق‌پذیری چیزی بین این دو است؟ آیا این انطباق‌پذیری شرط ضرورت مهاجرت است؟

یکی از حضار گفت، در وهله اول ورود مهاجران مسئله انطباق‌پذیری خارج از بستر است. مفاهیم به ذات خود معنا ندارند در تقابل با فرهنگ دیگر مفاهیم معنا و انطباق پیدا می‌کنند و در نهایت اشاره کرد که فیلم به لایه‌های عمیق مهاجرت نفوذ نمی‌کند. یکی دیگر از حضار گفت، مفهوم دیاسپورا یک مفهوم لغزنده و منعطف است.

در نهایت شاید شنیدن حرف‌های کسانی که از ایران مهاجرت کرده‌اند و از مهاجرت خود عمیقاً راضی‌اند می‌توانست به بحث کمک بیشتری کند، به خصوص زمانی که نشست با این جمله تمام می‌شود که، به اندازه تمام آدم‌هایی که تجربه مهاجرت دارند جواب‌های متفاوتی وجود دارد. در هر صورت شاید بتوان گفت این نشست‌ها جزئی اولین تلاش‌ها برای دستیابی به هویت دیاسپورایی‌اند که رخداد تازه به خوبی این مسیر را آغاز کرده است.

### هم‌ریتمی

هم‌ریتمی‌ها حاصل یک دستی‌ها، توافق همگانی، پنهان کردن تمام شکاف‌های موجود و روایتی از متحدالشکلی‌ها است. هم‌ریتمی‌ها اگرچه می‌تواند در لحظات تغییر در سوی فرودستان رخ بدهد اما معمولاً حاصل توافقی نانوشته در پذیرش قواعدی که وضعیت را تثبیت می‌کند از سوی فرودستان است.

هم‌ریتمی در این نشست با این اصول شکل گرفت که مهاجران ایرانی به امید دستیابی به آرزوهایی و یا به دنبال تحقق «خودی» که نمی‌توانند داخل ایران بسازند از کشور خارج می‌شوند. اما در کشور جدید با مشکلات جدیدی روبرو می‌شوند که باز هم دست و پاگیر آنها است. شاید امکانات جدیدی را به دست آورند اما از سوی دیگر مشکلات دیگری هم برایشان ایجاد می‌شود. در نتیجه با توجه به تمام این مشکلات و دغدغه‌های جدید، انتظار مشارکت اجتماعی فعال مهاجران در کشور جدید انتظار کزافی است. بعلاوه، نکاتی که ضمنی در جلسه گفته شد و همه ما در زندگی روزمره خود آن را تجربه کرده‌ایم و بسیار آن را شنیده‌ایم این است که، فرد هنرمند در کشور خودش موفق‌تر است و نه بیرون از جامعه خویش. نکته بعدی هم این است که مهاجران علاقه ندارند مهاجر دیگری به آنها اضافه شود.

اشتیاق ایرانیان به زندگی به سبک اروپایی در کنار تمام محدودیت‌های موجود در داخل کشور، حتی با بازنمایی انتقادی وضعیت مهاجران ایرانی نمی‌تواند ذره‌ای از شیرینی شنیدن تجربه‌های متفاوت افراد از زندگی در خارج از ایران را کم کند. به نظر همچنان برای ما زندگی در جای دیگریست.

### آریتمی

آریتمی‌ها در چند جا متولد می‌شوند. یکی در لحظات شکست، در لحظاتی که هر راهی به در بسته می‌رسد، این لحظات پتانسیل‌هایی دارند. پتانسیل‌هایی برای خروج از ریتم و یافتن بدیل‌هایی برای زیست دیگرگونه. یکی دیگر از جاهایی که آریتمی‌ها به کار می‌افتند نه لحظات شکست، بلکه لحظاتی است که فریادهای یکدستی‌های ناب شنیده می‌شود. آنجا فقط نویزی آرام این پتانسیل را دارد که خالق آریتمی شود.

امروز ایران و ایرانی همان وضعیت ۴۰ یا ۵۰ سال پیش را ندارد. اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسیار تغییر کرده است. نگاهی به مهاجران ۳۰ سال پیش بیاندازید و نگاهی به مهاجران امروزی. در نتیجه کنشگر اجتماعی هم دچار تغییراتی شده است. امروز مهاجرت بسیار پیچیده‌تر از گذشته است، چرا که کنشگر آگاه‌تر و شرایط متفاوت‌تر شده است؛ دیگر رنگ آسمان بیرون از مرزها خیلی پرسش‌برانگیز نیست، اما همچنان جذاب است. اما چرا حتی با داشتن شرایط خوب زندگی در ایران باز هم بسیاری مهاجرت می‌کنند و خود را گرفتار شرایط سخت‌تر؟ آیا به واقع مهاجران امروز از جنس مهاجران دوره ساسانی و یا مشروط

می

«

است